

تأثیر پذیری اقتصاد جامعه از سبک زندگی؛ تبیین زندگی مقاومتی در برابر زندگی مصرفی

محمدصادق آب پیکر^۱، علیرضا شهسواری^۲

چکیده

وقوع بحران‌های اقتصادی گسترده جهانی در چند سال اخیر، ناکارآمدی اقتصاد سرمایه‌داری را در حل ریشه‌ای مشکلات خود نشان داد. همچنین تشدید فشارها و تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی از سوی قدرت‌های جهانی که مشکلاتی را در عرصه اقتصادی برای کشور پدید آورد، موجب شد رهبر معظم انقلاب مدل اقتصاد مقاومتی را به عنوان الگویی جدید و جایگزین مطرح نمایند. اقتصاد مقاومتی با بهره‌گیری از همه منابع، امکانات و ظرفیت‌ها تحریم را به فرصتی برای شکوفایی و پیشرفت اقتصادی تبدیل می‌نماید. همچنین تقریباً هم‌زمان با تبیین این بحث، رهبر انقلاب توصیه به ورود گسترده به مبحث سبک زندگی نمودند. در این مقاله قصد داریم با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی ارتباط سبک زندگی با مسأله اقتصاد عمومی جامعه بپردازیم و از طرفی آسیب‌های سبک زندگی رایج فعلی را مورد نقد قرار دهیم و از طرفی نیز به شناخت سبک زندگی مورد نیاز برای برپایی اقتصاد مقاومتی که ضامن احیای اقتصاد ملی می‌باشد بپردازیم. این نقدها بر پایه شناخت تأثیراتی است که سبک زندگی مصرفی بر مسائل عمومی اقتصاد از قبیل تورم و فاصله طبقاتی می‌گذارد. در نهایت نقطه مقابل این نوع زندگی با عنوان زندگی مقاومتی مطرح می‌شود؛ زندگی مقاومی که اقتصادی مقاوم به ارمغان خواهد آورد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، اقتصاد مقاومتی، بهره‌وری تولید و عرضه، تورم

مقدمه

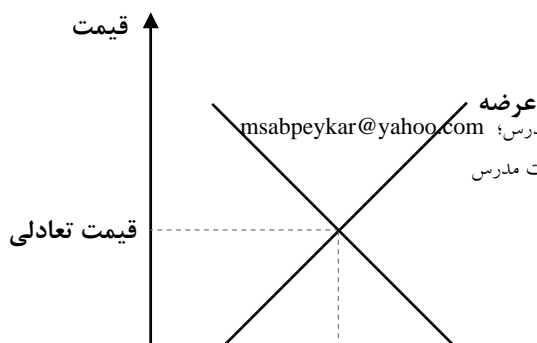
کلیات و ریشه‌های تورم

با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی ایران روز به روز عرصه‌های مختلف رشد و بهبود را تجربه می‌کند و این رشد در دهه‌ای که دهه پیشرفت و عدالت نام‌گذاری شده سرعت بیشتری به خود گرفته است. سرعتی که آسان به دست نیامده و حاصل تلاش‌های سخت‌کوشانه‌ای است که با سختی‌های تحمیل شده از سوی دشمنان روش فکری این حکومت همراه می‌باشد.

از جمله مسائلی که از همان ابتدای تولد، جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه بوده مسأله مشکلات

اقتصادی است که در بیان رهبر معظم

انقلاب (بیانات، ۱۳۹۱/۵/۳) اصلی‌ترین



شکل ۱- عرضه و تقاضا در تعادل

(قاسمی و شریف، ص ۸۳)

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه تربیت مدرس؛
۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

مسئله مورد نظر دشمنان برای ضربه زدن همین مسأله می‌باشد. می‌توان گفت امروز کلمه تورم به طور خلاصه تمام مشکلات آشکار این اقتصاد را بیان می‌کند. ما در این مقاله سعی می‌کنیم با نگاهی فرهنگی به وجود معضل تورم بیندیشیم.

تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود.^۱ زمانی که اقتصاددانان

درباره تورم صحبت می‌کنند، به رشد سطح عمومی

قیمت‌ها اشاره دارند؛ تورم یعنی باید برای خرید

کالاها و خدمات، پول بیشتری پرداخت شود. هم از

نظر کینزی‌ها و هم از نظر کلاسیک‌ها فزونی

تقاضای کل نسبت به عرضه علت اصلی تورم

است. اما نگاه نظریه پردازان الگوی فشار هزینه

کمی متفاوت است و ریشه اصلی تورم را افزایش

هزینه‌های تولید و عرضه و انتقال منحنی عرضه

می‌دانند. علاوه بر این در بیان علت پیدایش تورم

در ایران دلایل مختلفی مثل حجم نقدینگی نرخ

ارز و شاخص قیمت کالاهای وارداتی گفته

می‌شود (قوام مسعودی و تشکینی، ۷۵-۱۰۵) که

در این میان، افزونی تقاضا نسبت به عرضه و نقدینگی بالا عمومی‌تر از بقیه هستند.

در شکل ۱ محل برخورد دو منحنی عرضه و تقاضا محلی است که هم تولید کننده و هم مصرف‌کننده از

قیمت و همچنین از مقدار کالای موجود در بازار راضی است؛ فلذا بازار در تعادل می‌باشد. اما اگر این تعادل با

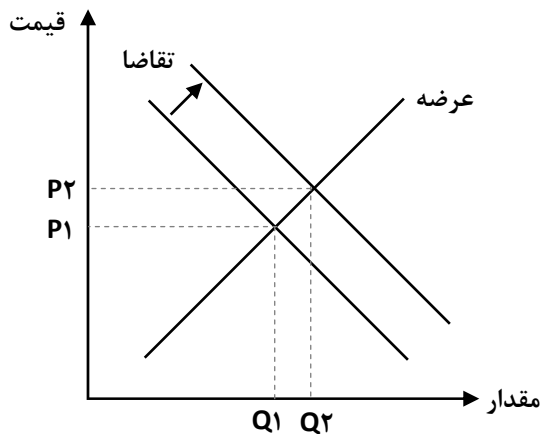
افزایش تقاضا برهم بخورد، همان طور که در شکل ۲ قابل مشاهده می‌باشد، قیمت جدید قیمتی بالاتر از قیمتی

است که در تعادل قبلی عرضه شده بود. تورم در اینجا در واقع نرخ رشدی است که این قیمت داشته است.

به دلیل این افزایش تقاضا عرضه کننده مقدار بیشتری را باید تولید و عرضه کند تا تعادل جدید شکل

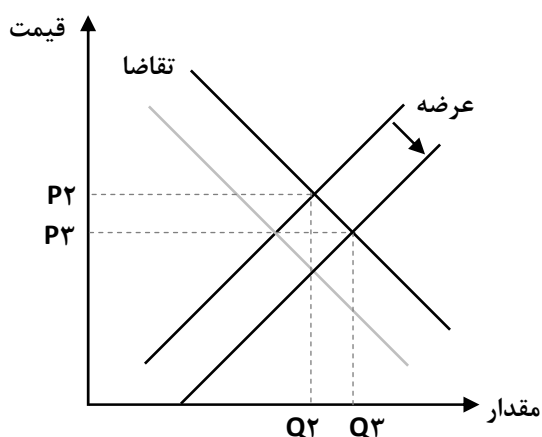
بگیرد. افزایش قیمت بازار هم مشوق خوبی برای عرضه کننده می‌باشد. بنابراین عرضه را افزایش می‌دهد، تب

بازار کاهش می‌یابد و قیمت دوباره کاهش پیدا می‌کند (شکل ۳).



شکل ۲- افزایش قیمت ناشی از افزایش تقاضای بازار

(قاسمی و شریف، ص ۸۸)



شکل ۳- کاهش قیمت متورم از طریق افزایش عرضه
(قاسمی و شریف، ص ۸۹)

حال باید دید برای اقتصادی که دچار تحریم و حصر می‌باشد امکان عرضه برای ارضای تقاضا به این سرعت و سادگی وجود دارد؟

قطعاً مسأله به سادگی این نمودارها نیست. مسائلی زیادی بر عرضه و تقاضا تأثیر می‌گذارد. همچنین شدت تأثیر این عوامل بر مقدار عرضه و تقاضا مهم است. در اقتصاد خرد، مفهوم دیگری تحت عنوان کشش^۱ مطرح می‌شود که بررسی موشکافانه‌تر روی شدت تأثیر عوامل مختلف بر میزان تقاضا را ممکن می‌سازد (دهقانی، ص ۵۹).

کشش تقاضا به طور کلی بیانگر میزان درصد تغییر در تقاضا در ازای درصدی تغییر در عاملی مثل قیمت یا درآمد می‌باشد. کشش قیمتی تقاضا را با e_p و کشش درآمدی تقاضا را با e_i نشان می‌دهند (دهقانی، ص ۶۰). این مبحث به ما کمک می‌کند که تشخیص دهیم به طور مثال با افزایش یا کاهش درآمد چه تغییری در میزان تقاضای کالای خاص حاصل می‌شود. به این شکل که اگر کالای مورد نظر ضروری باشد تغییر در میزان درآمد تغییر چندانی در میزان تقاضا نخواهد گذاشت و به بیان ریاضی (برای کالای ضروری):

$$0 < e_i < 1$$

و چنانچه کالای مورد نظر کالایی لوکس باشد طبیعتاً میزان تقاضای کالا با کاهش درآمد کاهش می‌یابد و با افزایش درآمد افزایش می‌یابد (برای کالای لوکس): (دهقانی، ص ۷۶)

$$e_i > 1$$

عامل اصلی دیگری که در دلایل عمده ایجاد تورم ذکر شد، عامل نقدینگی بالا بود. اگرچه اصلی بودن این عامل در بعضی پژوهش‌ها زیر سؤال رفته است اما به هر حال در بیان اقتصاددانان کشور این عامل جزء عوامل اصلی تورم به حساب می‌آید (قوام مسعودی و تشکینی، ۷۵-۱۰۵). بر اساس فرمولی که دانشگاه کمبریج از نظریه مقداری پول ارائه می‌دهد هر تغییری در حجم پول منجر به تغییر متناسب در سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود:

$$M = k P y$$

در این فرمول M حجم کل ذخایر پول، y سطح محصول عرضه شده، P سطح عمومی قیمت‌ها و سرعت گردش پول نیز مثل معادله مبادله^۲ فیشر ثابت فرض شده است^۱.

۱. Elasticity

۲- Equation of Exchange

اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی

رویکرد اقتصادی جدیدی با عنوان اقتصاد مقاومتی^۲ توسط شخص رهبری جمهوری اسلامی ایران مطرح شد و طی چند سال اخیری که از مطرح شدن آن می‌گذرد شخص ایشان و برخی اشخاص و محافل علمی در تبیین علمی این رویکرد مطالب گوناگونی اضافه نمودند. ولی هنوز متن بیانات مقام معظم رهبری بهترین منبع برای بررسی ادبیات اقتصاد مقاومتی می‌باشد. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند (بیانات، ۱۳۹۲/۱/۱). بنابراین اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام کارهای تدافعی نیست؛ بلکه شکوفایی در شرایط فشار را مد نظر دارد.

در بیان ارکان اقتصاد مقاومتی توسط مبدع آن، وقتی ریشه‌ها و راهکارهای اجتماعی و مردمی را جستجو می‌کنیم، به موضوع مهم و قابل توجهی می‌رسیم با عنوان مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف. در واقع این بیان، وجه اشتراک دو موضوع مهم مطرح شده توسط ایشان با عنوان‌های اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی می‌باشد:

مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسأله توجه کنند که امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد (بیانات، ۱۳۹۱/۵/۳).

سبک زندگی کردن یا رفتار اجتماعی یا شیوه زیستن، یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی می‌باشد. از نظر ایشان چه به معنویت و رستگاری معنوی اعتقاد داشته باشیم و چه نداشته باشیم، مسأله سبک زندگی مسأله‌ای اساسی و مهم است (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی. به هر دو بخش باید رسید. بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ یعنی وسیله است؛ که ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم (همان).

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، سبک زندگی بخش اصلی و نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی است و اکنون انقلاب اسلامی به مرحله‌ای رسیده که باید توانمندی و نوزایی خود را در این بخش به نمایش بگذارد. اما ابعدی که تاکنون رهبر انقلاب در این زمینه معرفی کرده‌اند محدود به الگوهای رفتار فردی و حوزه زندگی

۱- $Mv = Py$

۲- Economy of resistance

فردی نشده و حوزه‌های رفتار اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد (همان). رهبر انقلاب مصادیقی را در سایه مفهوم سبک زندگی بیان می‌فرمایند که مرور آن ضروری است: مسائلی مثل مسأله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسأله خط، مسأله زبان، مسأله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بنابراین مصادیق سبک زندگی بسیار وسیع و دارای نفوذی بالا در شئون مختلف زندگی‌های ما می‌باشد که درک و اصلاح آن ضرورت ساخت یک تمدن سالم است. با این زاویه اکنون اگر به آن وجه مشترک نگاه دوباره بیندازیم متوجه می‌شویم اسراف و تبذیر از ریشه‌ای‌ترین و اصلی‌ترین خطاهای موجود در سبک زندگی است که در بسیاری از جوانب رفتاری و کرداری ما تأثیرگذار بوده و تأثیر به‌خصوصی بر اقتصاد ما می‌گذارد. در ادامه تمرکز بخش ادبیات مقاله بر مفاهیم و مصادیق اسراف و تبذیر معطوف می‌شود.

تمدن اسراف و تبذیر

در معنای لغوی، اسراف یعنی زیاده روی و تجاوز که معنای مقابل آن قصد و میانه‌روی است. کلمه اسراف کلمه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ص ۱۴۹). از این بیان معلوم می‌شود که اسراف تنها مربوط به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و یا در امور اقتصادی نبوده، بلکه اسراف معنایی جامع‌تر و وسیع‌تر را در بر می‌گیرد. در حقیقت می‌توان گفت، اسراف هرگونه تجاوز از حد یا افراط و تندروری و یا وضعیت نامناسب حالات نفسانی و روحیات و صفات غیرمعتدل اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی افراد در جامعه می‌باشد (رستگار جویباری، ۱۳۸۰).

واژه تبذیر با اسراف در کاربرد و معنی اندکی تفاوت دارد. تبذیر به معنی تفریق و پراکندن است و اصل آن به معنای بذر پاشیدن است که بعداً به طور استعاره به آن کس که مال خویش را ضایع می‌کند، مبذّر گفتند (راغب اصفهانی، ص ۱۱۳). تبذیر زیرمجموعه اسراف است. در اسراف تلف کردن و ضایع نمودن مال به معنای فراگیرتری است اما در تبذیر شامل به هدر دادن و زیاده‌روی در مصارف خوراکی، و ریخت و پاش زندگی می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: تبذیر از اسراف است (کلینی، ج ۷، ص ۱۹)!

اسراف و تبذیر دامنه‌ای وسیع دارد و موارد و مصادیق آن نیز متعدد است. پاره‌ای از مصادیق اسراف تحت عنوان اموال عمومی و پاره‌ای تحت عنوان شخصی مورد بحث قرار گرفته است. اموال عمومی شامل تمام امکانات و سرمایه‌هایی است که خداوند آن‌ها را مایه حیات و قوام جامعه قرار داده و استفاده صحیح از آن‌ها، جامعه را به سوی رفاه پیش خواهد برد. در این مورد منتقدان بزرگی شیوه‌های مصرف‌گرایی تمدن کنونی را به نقد کشیده‌اند؛

در کتاب «هشدار به زندگان» نوشته روزه گارودی^۱ آمده است: ما چگونه در حال مردن و میراندن نوع بشر هستیم؟ و این کار را چگونه داریم با مصرف همه‌گونه منابع انرژی، انجام می‌دهیم؟ و چگونه کره زمین را داریم غیر قابل زندگی می‌سازیم؟

انرژی و منابع زمین در طول میلیون‌ها سال در دل خاک نهفته و ذخیره شده است. ما (غربی‌ها) به غیر حق ادعا کرده‌ایم و مدعی هستیم که حق داریم همه این انرژی و منابع زیرزمینی را در طی یک نسل به هدر دهیم. همچنین، هشتصد سال است که انسان از ذغال سنگ مستخرج از دل زمین استفاده می‌کند ولی نیمی از آن را در طی سی سال اخیر مصرف کرده است! ... یک سوم درختان موجود در جنگل‌های جهان به سال ۱۸۸۲ که در حدود دو میلیارد هکتار جنگل را پوشانیده بود، در سال ۱۹۵۲ بریده و مصرف شد. این جنایت در حق طبیعت و محیط زیست آدمی، پیوسته ادامه یافته و افزایش هم پیدا کرده است: در هر دقیقه، بشر امروز، بیست هکتار جنگل را از میان می‌برد. خمیر لازم برای کاغذ روزنامه نیویورک تایمز در روز یکشنبه که شماره فوق‌العاده دارد و هشتاد درصد صفحات آن فقط اعلانات است، مستلزم قطع درختان پانزده هکتار از جنگل‌های کانادا است (گارودی، صص ۳۴ و ۳۵).

رنه دومن در کتاب «خیال‌پردازی یا نابودی» نوشته است: تفاوت میان سوخت‌ها و مواد معدنی ما که از درون قشر خاکی کره زمین بیرون کشیده می‌شوند با تولیدات کشاورزی و دریایی و جنگلی در این است که گروه دوم به‌مدد نیروی بیکران خورشید هر سال تجدید می‌شوند. اگر فرض کنیم که منابع معدنی قابل استفاده پنج بار بیش از آن باشد که تاکنون شناخته شده است... (دومن، ص ۲۰).

شوماخر^۲ می‌گوید: یک نظام صنعتی که چهل درصد از منابع اصلی جهان را برای تأمین نیازمندی‌های جمعیتی کمتر از شش درصد جمعیت جهان مصرف می‌کند، تنها در صورتی می‌تواند کارآمد خوانده شود که در زمینه تأمین سعادت، رفاه، فرهنگ، صلح و آرامش، و هماهنگی به توفیق‌های عظیمی نایل آمده باشد. تصور نمی‌کنم تأکید بر این واقعیت ضروری باشد که نظام آمریکایی از نیل به چنین توفیق‌هایی ناتوان بوده... (شوماخر، ص ۹۲).

علت عمده این مصرف‌گرایی بی‌قید تمدن نافذ غربی را شهید آوینی این گونه بیان می‌کند که اراده انسان مغربی را در جهت ارضای شهوات و تبعیت از غرایز و هواهای خویش هیچ چیز جز قراردادهای اجتماع محدود نمی‌کند (آوینی، ص ۵۱). این سیری ناپذیری از آنجایی نشأت می‌گیرد که انسان غربی قائل به تقدم جسم بر روان شد. اصل تقدم ماده بر روح و تقدم جسم بر روان و اصالت نداشتن نیروهای روانی و ارزش‌های روحی و معنوی، از اصول اساسی ماتریالیسم فلسفی است (مطهری، ص ۸۰) جبهه‌ای که جبهه مقابل آن جبهه رئالیسم^۳ که روش فلسفی اسلام است و به روح و نیروها و نیازهای آن اصالت می‌دهد. بنابراین باید حق داد اصلاً بی‌راه نیست که شهید آوینی نام این تمدن را تمدن اسراف و تبذیر می‌گذارد (آوینی، همان).

۱- Roger Garaudy

۲- E. F. Schumacher

۳- Realism

اکنون وارد مصادیق اسراف اموال شخصی می‌شویم که با بحث سبک زندگی به صورت ملموس‌تری در ارتباط است:

الف) اسراف در مواد غذایی

هیچ جنبنده‌ای روی زمین نیست مگر آن که روزی او بر عهده خداست^۱ (سوره هود، ۶). همان‌طور که می‌دانیم منظور از پرهیز از اسراف، بخل نیست. اسحاق بن عبدالعزیز می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم بخل چیست؟ فرمود: بخل این است که تو فقط نان و نمک بخوری در حالی که قدرت بر استفاده از غیر آن را داری (مجلسی، ص ۳۰۳). اسحاق پرسید: پس میانه‌روی در مصرف مواد غذایی کدام است؟ امام فرمود: میانه‌روی خوردن نان و شیر و روغن و گوشت است؛ گاهی از این و گاهی از آن.

ب) اسراف در لباس و پوشاک

اسراف‌کار را سه نشانه است: می‌خورد و خریداری می‌کند و می‌پوشد آنچه را که در شأن او نیست^۲ (ابن بابویه، ص ۱۶۷). البته نقطه اعتدال هم در این مورد بیان شده است: اسراف، پوشیدن لباس آبرو در محل کار و خدمت است^۳ (همان).

ج) اسراف در مسکن

کسی که ساختمانی بیشتر از حد سکونت خود می‌سازد، فردای قیامت حامل وزر و وبال آن خواهد بود^۴ (حمیری، ص ۷۷). از امام صادق علیه السلام نقل شده است: هر منزلی فردای قیامت برای صاحبش وزر و وبال است مگر منزلی که به میزان نیاز ساخته شده باشد (همان). حضرت علی علیه السلام هنگامی که به عیادت علاء بن زیاد رفت و منزل بزرگ او را مشاهده کرد، فرمود: تو در آخرت به این منزل محتاج‌تری ولی اگر این را وسیله ضیافت مهمان و پناه دادن به فامیل بدون سر پناه قرار دهی و حقوق این خانه را ادا نمایی از طریق همین منزل، منزل آخرت را نیز کسب خواهی کرد (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹).

د) اسراف در وسایل منزل

در روایتی از امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام گذشت که یکی از نشانه‌های مسرف این است که چیزی که می‌خرد که در شأن او نیست^۵ (ابن بابویه، ص ۱۶۷).

۱- وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا

۲- لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ غَلَامَاتٍ؛ بَاءُ كُلِّ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ

۳- إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ تَوْبَ صَوْنِكَ تَوْبَ بَدْلَتِكَ

۴- مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كَلَفَ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۵- يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ

ه) اسراف در وسیله نقلیه

داشتن مرکب خوب و رهوار در روایات از سعادت‌های انسان شمرده شده (حمیری، ص ۷۷). لیکن داشتن اصل وسیله نقلیه و نوع آن نسبت به شأن افراد متفاوت است.

باید اشاره کرد در هر کدام از موارد فوق بخل هم به همان اندازه مورد تنفر شریعت است و بیان موارد مصادیق بخل از حوصله و همچنین هدف اصلی مقاله خارج است. اما مسأله بسیار مهم در این موارد و مصادیق این است که معیار برای حد اعتدال معمولاً عرف اجتماع بیان می‌شود که این موضوع هم قابل تأمل است و باید روی آن بحث شود.

اکنون با بیان ادبیات و مقدمات مورد نیاز، وقت بیان مسأله اصلی مقاله حاضر فرا رسیده است. سؤالات اصلی پژوهشگر به شکل زیر بیان می‌شود:

۱- آیا سبک زندگی امروزی که با شدت از رودخانه‌های فرهنگ مهاجم غربی (با توجه به بیانات رهبر) وارد دریای فرهنگ ما شده و به روز بودن امکانات زندگی، راحتی و سرگرمی و ... از مفروضات آن است، تأثیری بر اقتصاد ملی یک کشور دارد؟

۲- در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال فوق، این سبک زندگی چطور می‌تواند اقتصاد ملی را تحت تأثیر خود قرار دهد؟

۳- آیا راهکار اصلاحی برای زیان‌هایی که این سبک زندگی بر اقتصاد ملی وارد می‌سازد در اقتصاد مقاومتی یافت می‌شود؟

هدف این مقاله یافتن پاسخ مناسب برای سؤالات مطرح شده می‌باشد.

روش مطالعه

روش تحقیق به کار رفته در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و بر مبنای هدف کاربردی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات بیشتر با اتکا به داده‌های کتابخانه‌ای، مقالات علمی، احادیث و آیات و تفسیر قرآن کریم است.

یافته‌ها

شکل‌گیری تقاضای کاذب در جامعه مصرفی

در یک جامعه که روال مصرفی شدن پیش گرفته است، تقاضای کاذب شکل گرفته و رفته‌رفته بیشتر و بیشتر رشد می‌کند؛ تقاضایی که نیازهای واقعی افراد جامعه را ارضا نمی‌کند و حاصل اقتناع مصرف‌کننده به وجود نیاز می‌باشد که از سوی رسانه‌ها صورت گرفته است.

شهید آوینی با نقدی زیبا و چالشی این مسأله را مطرح می‌کند: به راستی جای این سؤال وجود دارد که چرا بعد از هزارها سال زندگی بر کره زمین، بشر در قرن هجدهم میلادی پای در عصر تمدن صنعتی می‌گذارد؟ آیا در قرون گذشته بشر به تأمین نیازهای مادی و غرایز حیوانی وجود خویش اهمیتی نمی‌داده است؟ چطور ممکن است؟ مگر اعتقاد عام بشر امروز در مغرب زمین بر این نیست که انسان، معاذ الله، از نسل

میمون است؟ اگر این نظریه را بپذیریم، لاجرم غرایز حیوانی و نیازهای مادی بشر در گذشته از شدت و حدت بیشتری برخوردار بوده است! (آوینی، ص ۵۰).

واقعاً می‌توان با اطمینان بیان کرد که نیازهای زیادی امروزه در انسان وجود دارد که نیاز او نیست و صرفاً انگیزه کسب سود تجاری این نیاز را به وی خورانده است. اکنون به سؤالی که در میان بخش اول مطرح شد باز می‌گردیم: آیا برای اقتصادی که دچار تحریم و حصر می‌باشد امکان عرضه برای ارضای تقاضا با همان سرعت و سادگی شکل‌گیری تقاضا وجود دارد؟

قطعاً پاسخ این سؤال منفی است. برای همین مسأله هم هست که تولید ملی به این شکل مورد تأکید سران و دلسوزان کشور واقع می‌شود.

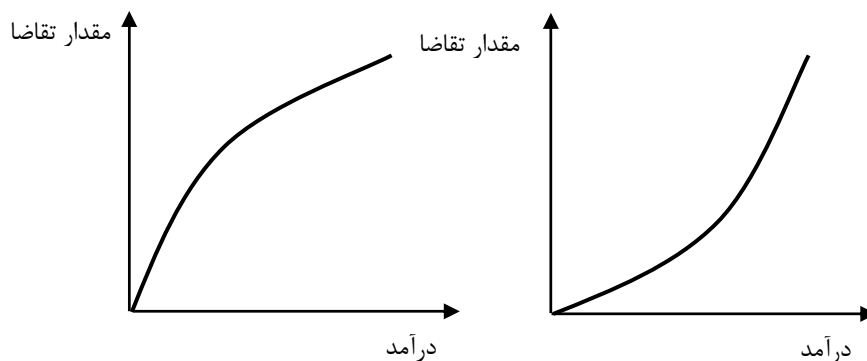
مسأله دیگری نیز لازم به ذکر است و آن اینکه یک کشور در حال تحریم و در مقابله مستقیم دیپلماتیک با نیمه غربی دنیا آیا از زاویه نگاه اهداف اصلی و کلان، هر تولید و هر عرضه‌ای مقرون به صرفه است؟ آیا صرف وقت و هزینه و امکانات محدود برای تولید و برآوردن هر نوع نیازی موجب کندی در روند دستیابی به اهداف اصلی نیست؟

بر این اساس تقاضا بسیار بالاست و عرضه، نه تنها به لحاظ ساختاری و به لحاظ کمبود منابع که به لحاظ اهداف کلان ملی و آرمانی نیز در محدودیت است. لذا با توجه به آنچه در شکل ۱ و ۲ و ۳ گفته شد این تقاضای بالا و عرضه نامتقارن و ناهمخوان، ایجاد تورم می‌کند.

تبدیل کالای لوکس به کالای ضروری

از موارد اصلی قابل مشاهده در جامعه مصرفی، رشد زیاد خرید کالاهای لوکس برای راضی شدن نیاز به فخرفروشی در مصرف و تجملات است. کالاهایی که دارای کشش درآمدی بالاست؛ به این معنی که با کاهش درآمد (در طبقات پایین‌تر اجتماعی) مقدار خرید این نوع کالا توسط مصرف‌کننده شدیداً کاهش می‌کند. اما فرهنگ مصرف‌گرایی، به علت ایجاد نیازهای کاذب و نشان دادن مصرف به عنوان یک فخر اجتماعی، کشش درآمدی کالاهای لوکس را کاهش می‌دهد؛ به این معنی که مصرف کالاهای لوکس رفته رفته نسبت منفی خود را با درآمد از دست می‌دهند و به کالاهای ضروری تبدیل می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان به مبلمان منزل اشاره کرد؛ چیزی که در گذشته‌ای بسیار نزدیک در خیلی از منازل موجود نبود اما ناگهان مصرف‌کنندگان فرش‌نشین در رسانه ملی خود متوجه تعویض چندباره مبلمان منزل در خانه‌هایی با بضاعت مالی متوسط شدند و فهمیدند که چقدر از جامعه پیشرفته عقب‌اند که نیاز مبرم به مبلمان را حتی برای سری اول هم حس نکرده‌اند!

این مثالی از ایجاد تقاضای جدید و تبدیل کالای لوکس به ضروری بود که البته منظور نویسنده این نیست که در همه موارد، کالا واقعاً ضروری نبوده.



شکل ۴- کشش درآمدی تقاضا برای کالای لوکس (سمت راست) و کالای ضروری (سمت چپ)
(قاسمی و شریف، ص ۱۳۸)

شکل‌گیری حلقه مصرف‌افزایی

اسراف در اموال شخصی از طرفی خمیرمایه تفکر اسراف‌گرای اموال عمومی می‌باشد و از طرفی خود شکل‌گیری این تفکر اسراف‌گرا باز به صورت حلقه‌ای، بادکنک اسراف اموال شخصی را باد می‌کند. و این باز به معنای پف‌دار شدن خمیرمایه تفکر اسراف عمومی است که تمدن اسراف و تبذیر نامیده شده است. این حلقه باید در جایی قطع شود و آن جا نقطه آغازین آن یعنی نقطه سبک زندگی فردی است؛ چون اشخاص سازنده جوامع هستند. باور افراد محوری‌ترین مسأله در این بحث است.



شکل ۵- حلقه مصرف‌افزایی در سبک زندگی مصرفی

در واقع رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هر هدفی که ما برای زندگی برای خودمان ترسیم کنیم به طور طبیعی، متناسب با آن یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست و کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

مصرف‌گرایی برابر است با فساد در جامعه

در تفسیر نمونه درباره رابطه اسراف و فساد در ارض آمده است: اسراف همان تجاوز از حد قانون آفرینش و قانون تشریح است. این نیز روشن است که در یک نظام صحیح، هر گونه تجاوز از حد موجب فساد و

از هم گسیختگی می‌شود، و به تعبیر دیگر سرچشمه فساد، اسراف است و نتیجه اسراف فساد. استاد قرائتی (قرائتی، ص ۳۵۵) در تفسیر نور ذیل آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره مبارکه شعراء چند نکته بیان می‌کند:

- انبیا در مصرف‌گرایی مردم حساس بودند (لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ)،
 - در برابر سرمایه‌داران اسراف‌گر، کرنش نکنید (لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ)،
 - اسراف، فساد است و اسراف‌کار، مفسد (الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ)،
 - از مرفهان بی‌درد، امید اصلاح نداشته باشید که اصلاح تنها در سایه مکتب انبیاست (وَلَا يُصْلِحُونَ).
- همچنین، خداوند کریم، فرعون را که حکومت وی نماد یک تمدن مشرکانه می‌باشد و امروز نمادهای آن حکومت الگوی قدرت حاکمان تمدن غربی است، نمونه بزرگ مفسدین معرفی می‌کند: «و در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جو و از اسراف‌کاران بود» (یونس، ۸۳).^۱
- بنابراین آن نقطه اصلی مذکور اگر ایمان به اسلام باشد، به شدت این خوی را موجب فساد و از هم‌پاشیدگی می‌داند. باید هر چه سریع‌تر ریشه‌های این رفتار در سبک زندگی فردی و اجتماعی ما خشک شود. ریشه‌هایی که از گل تمدن لیبرالیستی و امپریالیستی به خاک فرهنگ اسلامی ما نفوذ کرده است و جاهلیت فخرفروشی مال و طبقه و قبیله را به شکلی نوین وارد زندگی‌های ما کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مسائل مطرح شده در این مقاله به قدری کلان و ریشه‌ای هستند که مطالعه عمیق و بررسی راهکارهای مقابله با آسیب‌ها و پیشگیری از رشد بیشتر آن‌ها به مطالعات گسترده‌تری نیازمند است و تلاش اصلی این مقاله در راستای آسیب‌شناسی نوع سبک زندگی رایج و شناسایی و تبیین تأثیرات گسترده آن بر اقتصاد جامعه می‌باشد. اما باید بدانیم یکی از عوامل عمده در پرورش و رشد این نوع غلط زندگی، سیاست‌های اشتباه تبلیغات در کشور است. سیاست‌هایی نسنجیده که نیازهای نامناسب در افراد مختلف ایجاد می‌کند. فرض کنید مردی که تا پیش از این حتی به فکر بقایای جوش جوانی در صورت خود نبوده اکنون با یک تبلیغ نیاز به برطرف کردن آن را در خود می‌بیند و این نیاز تقاضایی را وارد بازار می‌کند....

مثال‌هایی از این دست بسیار می‌توان مطرح کرد. فرهنگ مصرفی در رسانه تنها از طریق تبلیغات عرضه نمی‌شود و اکثر عرضه آن مربوط به فیلم‌هایی است که سعی در نشان دادن و اثبات کردن سبک زندگی صحیح را ندارد و عموماً در سطح قشرهای خاصی ساخته می‌شود. برنامه‌ریزی برای اصلاح سبک زندگی نیازمند کار اصولی در زمینه رسانه می‌باشد که مطالعه و بررسی آن از این مقاله خارج است.

در بخش مقدمه، وقتی مصادیق اسراف در اموال شخصی مطرح شد بیان گردید که حد اعتدال برای مصون ماندن از اسراف و بخل اکثراً عرف جامعه بیان شده است؛ اما مسأله‌ای که باید مطرح شود این است که این عرف که باید متوسط جامعه باشد تحت تأثیر همین رسانه به درستی نشان داده نمی‌شود. از طرفی دیگر، مسأله

۱- وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ لِمَنِ الْمُسْرِفِينَ

واقعاً شوم چشم و هم‌چشمی، که از پایه‌ها و هم‌نتایج شکل‌گیری فرهنگ مصرفی می‌باشد، تعریف این عرف جامعه را منحرف می‌کند و موجب می‌شود سطح اعتدال بالاتر از سطح متوسط تعیین شود.

در بخش قبل به بحث تقاضای کاذب پرداختیم، باید در تکمیل این بحث اضافه کنیم که در نتیجه پیدایش تقاضای کاذب، علاوه بر این که انسان (نه فقط انسان مسلمان) مسیر اصلی خود را گم می‌کند عرضه کاذب نیز ایجاد می‌شود؛ عرضه‌ای که در اولویت نیاز تولید ملی نیست و بر اساس تعاریف، اثربخشی و کارایی نظام کلی را کاهش می‌دهد. حذف نیازهای کاذب، بهره‌وری عرضه ایجاد می‌کند و در واقع در برابر کاهش تقاضا، افزایش هدفمند عرضه ایجاد می‌کند که موجب کاهش تورم می‌شود.

در بخش قبل همچنین از تغییر برخی کالاها با کاهش درآمدی بالا به کالای ضروری سخن به میان آمد که لازم به ذکر است این موضوع موجب فخر بیشتر به تجملات می‌شود و افزایش فواصل طبقات را در جامعه به دنبال دارد.

در کل و به عنوان نتیجه نهایی و عمده باید گفت در برابر این رویکرد و سبک زندگی مصرفی، باید سبک زندگی مقاومتی، یعنی در تقابل با نگاه تورمزای امپریالیسم مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ یک سبک زندگی بر اساس تعالیم اسلامی، که بخل را به همان اندازه که اسراف را نکوهش می‌کند، مورد نقد قرار می‌دهد و به هیچ‌وجه موجب سختی کشیدن افراد در مصرف نخواهد بود؛ بلکه علی‌رغم این که در برابر تغییرات شدید و تحریم‌های خارجی مقاوم است، به شکوفایی ساخت و نظام فردی و اجتماعی درونی کمک می‌کند.

منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم

- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ه.ق)، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم، جلد ۳.
- ۳- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۰)، توسعه و مبانی تمدن غرب، تهران: نشر واحد.
- ۴- بیانات مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (صفحه-بیانات)
- <<http://farsi.khamenei.ir/speech>>
- ۵- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ه.ق)، قرب الاسناد، قم: موسسه آل‌البتیت.
- ۶- دومن، رنه (۱۳۵۳)، خیال‌پردازی یا نابودی!، ترجمه منیر جزنی، تهران: امیرکبیر.
- ۷- دهقانی، علی (۱۳۹۱)، اقتصاد خرد برای رشته‌های اقتصاد، مدیریت و حسابداری، تهران: انتشارات ترمه، چاپ دهم.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ه.ق) المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم.
- ۹- رستگار جویباری، ولی‌الله (۱۳۸۰)، اسراف از دیدگاه اسلام، تهران: نشر الأصفیاء.
- ۱۰- الشریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ه.ق)، نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح، قم: هجرت.
- ۱۱- شوماخر، ارنست اف. (۱۳۸۹)، کوچک زیباست- اقتصاد با ابعاد انسانی، ترجمه علی رامین، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۲- قاسمی، عبدالرسول و شریف، مصطفی (۱۳۸۵)، اقتصاد خرد، تهران: موسسه اطلاعات.
- ۱۳- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، جلد ۸.
- ۱۴- قوام مسعودی، زهره؛ تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران از ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۱، پژوهشنامه بازرگانی، ۹(۳۶): ۷۵-۱۰۵.
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، جلد ۷.
- ۱۶- گارودی، روزبه (۱۳۶۳)، هشدار به زندگان، ترجمه علی اکبر کسمایی، تهران: ویس.
- ۱۷- گولد؛ کولب (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد زاهدی، تهران: نشر مازیار، چاپ دوم.
- ۱۸- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ه.ق)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفا، چاپ دوم، جلد ۷۲.
- ۱۹- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هجدهم.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، جلد ۶.